

نقشه دوگانه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران



شماره ۲۰ - دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۰ - دوره هفتم، سال سوم
۲۰ رجب ۱۴۰۱ - ۱۵ رتال

- امپریالیسم پایبای هم دو نقشه را دنبال میکند: بازگرداندن حکومت فاشیستی اویسی ها و سپردن قلمرو به لیبرالهای جاده صاف کن ضدانقلاب
- هتاک و تعریف از سوی مجاهد نشانه قدرت استدلال و منطق نیست!
- نیروهای ضد امپریالیستی ایران رفتار و تقواییت افغانستان را درمی یابند.
- بازگرداندن فاشیسم خواست حداکثر و نهایی امپریالیسم آمریکاست؛ لیبرالها تنها جاده صاف کن آن هستند.
- رهبری جبهه متحد خلق را تنها ترکیب آن در شرایط مشخص اجتماعی - سیاسی تعیین میکند.

صفحه ۴

امشب بعد از اخبار شب در شبکه اول:

بحث آزاد تلویزیون

در باره «آزادی، هرج و مرج، زورمداری» باشرکت حزب توده ایران پخش می شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای بهشتی (از حزب جمهوری اسلامی)، آقای پیمان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای قنابور (از سازمان فدائیان خلق ایران (دکارت)).

تذکر: طبق اطلاع قبلی تلویزیون قرار بود که این بحث در روزهای دوشنبه ۴ و سهشنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰ پخش شود. ولی روز پنجشنبه تلویزیون اعلام کرد که به علت تراکم برنامه، پخش اول این بحث ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه اول خرداد پخش می شود و روز جمعه پخش اول این بحث در محیط سالم و با موفقیت برگزار شد.

نیروهای بسیج به کمک توپخانه نیروی زمینی ارتقاات گامیشان در دست ذهاب را تصرف کردند

رزمندگان انقلاب در پی روزهای گذشته در جبهه های نبرد با تجاوزگران دشمن به دست آورنده ارتقاات گامیشان را تصرف و ضحله دشمن به منطقه شوش را دفع کردند. آنان طی این عملیات ۱۷ تانک و ۶ قیضه توپ ضد هوایی دشمن را نابود کردند.

اطلاعه شماره ۱۱۳ متحدان ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره این عملیات در روزهای ۱ و ۲ خرداد حاکیست که یامداد روز ۲ خرداد ۶۰ رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با پشتیبانی هوای نیروی مواضع دشمن در منطقه دارخوین را مورد حمله قرار دادند و در نتیجه ۱۵ تانک و ۶ قیضه توپ ضد هوایی آنان را نابود کردند. در این عملیات تعداد زیادی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و تعدادی از مجوزات آنان به غنیمت گرفته شد.

رزمندگان نیروی هوایی نیز در روز ۲ خرداد ۶۰ مواضع دشمن در مناطق پستان و جلغایه را بمباران کردند. جنایتکاران صدام نیز در مقابل، در ۲ روز گذشته، همچنان شش آبانها زیر آتش ۲ تانک، ۲ نفر، یک خودرو، ۴ سنگر تیربار و ۳ انبار مهمات را مبداء که دید غلط نسبت به نیروهای انقلابی دارد. او با مباحث اعلام کرده است: «بخاطر دفاع از همین که همان دفاع از جمهوری اسلامی است، من می خواهم در جنگ شرکت کنم که دستگیر شدم» او بر این اساس، به والدینش خاطر نشان ساخته است که: «روزی حقانیت و پاکی فرزندتان «آیات» خواهد رسید» آنها که ظالمانه زیر حکم اعدام غائل اسکندری را امضا کرده اند، خوب است وصیتنامه ساده و مصرومانه او را بخوانند و به رهنمودهای امام عظیمی درباره اهمیت درجه اول قضاوت عادلانه دادگاههای انقلاب بیندیشند. صدور احکامی نظیر حکم اعدام

«توطئه ای در حال تکوین»

ایجاد زمینه مساعد برای انجام این «کار نهایی» است که، در استراتژی تمام ضدانقلابها، بمعنای تصرف حاکمیت سیاسی است. چپ گذاری یکی از کوچکترین عناصر این استراتژی ضدانقلابی است. واضح است که با ترکانند چند بمب، خرد خرد حساسترین نقطه، نمی توان حاکمیت سیاسی را تصرف کرد. ترکتش بمبها نقش کمکی و فرعی دارد و آن از یکسو ایجاد رعب و وحشت و از سوی دیگر (که بسیار مهتر است) آفات ناتوانی حکومت انقلابی و توانایی ضدانقلاب است. اگر بمبها پس دهنی بترکتند و ترکتها ادامه یابند این امر خود بخود دلیل بر آنست که حکومت انقلابی مسلط بر اوضاع نیست. اینکه بختیار و دوستانت، که مثل «قیصر مدنی» ترکت و مقدماتی را تشکیل داده اند، چنین شیوه و خشیانه و قضاوت بازی را برای میل به پنهانی سیاسی خود برگزیده اند و بختیار بخصوص تا کید میکند که بمبها در محل نماز جمعه گذارده شوند، یاد دیگری از چهره لیبرالهای ملی و «مسلمانی» برده بر میخازد و عیاز صلیت و سلامت مدنی، ترکتها و مقدماتی را، که فرار کرده اند، و دوستانشان را که فرار نکرده اند و در ابرار همان سیاست را دنبال میکنند، نشان میدهد.

شبهه ارتداد «پهلوی» راه، طبق گفته آقای ری شهری، دنبال کیده بینید از کجا سر در می آورد:

حجت الاسلام محمدی شهری، حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی از وجود سازمانی بنام «پسداداران رژیم سلطنتی» (که بصورت مخفی خودشان را «پارم» می نامند) برده بر داشت و آنرا سازمان گسترده ای نامید که در خارج کشور با فراریان ضدانقلابی و در داخل کشور با «تهدای از یازاریان» و «تهدای از روحانیون» در قم (آقای ری شهری افزودند: بقول ما روحانی نمایان) تماس داشته اند. ایشان همچنین اطلاع دادند که ۱۸ نفر از اعضای اصلی این سازمان، که قصد چپ گذاری در چند مرکز حساس (از جمله در محل نماز جمعه تهران) را داشته اند، دستگیر شده اند و افزودند که سازمان نامبرده ۲۰۰ تا ۳۰۰ عضو دیگر نیز دارد.

یکی از افراد دستگیر شده این سازمان در اعتراضات خرم، که از شبکه رادیو تلویزیون (دوم خرداد ۶۰) پخش شد، با پیشرو خاص خود فرزند خانگانش گفت که، از فرح و رضا پهلوی پول میکشید و با این پول مدهای از اویش راه، که دستشان در آمد، کسی نیلزم زنده است، برای چپ گذاری در محل جمیع مردم بیگناه اجیر میکشید. وی گفت که بختیار بخصوص تا کید داشته است که بمبها در محل نماز جمعه منفجر شوند. چرا؟ پاسخ این پرسش را تنها در ارتباط با تاکیک و سیاست کلی ضدانقلاب میتوان یافت.

آقای ری شهری تاکیک ضدانقلاب را بدین شرح داد و گفت که امریکاییها پس از آنکه در امتداد جریان طیب و کودتای ناخرام و حمله عراق به ایران فهمیدند که به آن صورت امکان ندارد به ایران بفرگردند و مسلط شوند، به خیال خام خودشان به فکر اتحاد از یک طریق... جو نارضایتی را در مردم گسترش دهند و کار نهایی خود را برای وقتی بنگارند که نارضایتیها به حد اعلای خودش رسیده باشد.

مسلم است که اتحاد این تاکیک بمعنای سرنگش کردن «کار نهایی» یعنی سرکوب مسلحانه انقلاب از طریق مداخله و یا کودتا نبوده و نیست. رساندن «نارضایتیها» به «حداکثر خودش»

«یکی از رهبران دستگیر شده این گروه در بازجویی گفته است، بختیار توسط تهدای از یازاریان حمایت شدند... برای بختیار تهدای حساب (تلاشی دیگر) در بانکهای کشور باز شده و کمکهایی نیز جمع آوری شده است» این «تهدای از یازاریان» کیستند که میتوانند در بانکهای کشور برای هزینه گروههای ضد انقلاب حساب باز کنند همان سرمایه دارانی که ۱۲۰ میلیارد تومان منفعت برده اند و حاضرند برای برقراری سلطه مجدد خود، ده بیست میلیارد آنرا سرمایه گذاری کنند.

این «تهدای از روحانیون قم» (ترق نمیکند قیبه در صفحه ۴

در صفحات بعد

کارگران نساجی های اصفهان گردان رزمنده طبقه کارگر ایران

نمایشگاه دلاوری های خلق و جنایات تجاوزگران صدامی

با جنبش پاکواش آشنا شویم

تازه های روز لوح افتخار را کامل کنیم

در باره یک سفسله در منطق راجع به «جزء» و «کل» و «کلی» و «جزئی» و نتایج اسلوبی این سفسله

خونتهای نظامی آرژانتین، مردی جدید را به روی صحنه میفرستد

مردم ما زدادگاههای انقلاب قضاوت عادلانه و احکام انقلابی در جهت استحکام وحدت جبهه انقلاب و قلع و قمع ضدانقلاب را می طلبند

فرزندشان «آیات» خواهد رسید» آنها که ظالمانه زیر حکم اعدام غائل اسکندری را امضا کرده اند، خوب است وصیتنامه ساده و مصرومانه او را بخوانند و به رهنمودهای امام عظیمی درباره اهمیت درجه اول قضاوت عادلانه دادگاههای انقلاب بیندیشند. صدور احکامی نظیر حکم اعدام

در روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۶۰ اعدام شده است. عادل اسکندری در لحظات پیش از اعدام وصیتنامه ای از خود برجای گذاشته است که بهترین گواه و سند مطلوبیت و برات اوست. او در وصیتنامه اش گفته است: «حاکمیت جمهوری اسلامی را ضد امپریالیست میدانم، ولی این

آن نبوده اند و در شرایطی که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و دامستان کل انقلاب اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی جمهوری: آزادی فعالیت احزاب و گروههای را اعلام داشته اند که با جمهوری اسلامی ایران جنگ و یا سر جنگ ندارند و از دادگاهها قضاوت عادلانه را مصرأ خواسته اند

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تازه‌های روز

پارسا شدن دارو، واقدامات فوری، جلو روگ و میرگوسفندان «ایلسونها» را بگیرید!

با شروع فصل گرما، ایلسونها (شاهسونهای سابق) منطقه دشت مغان بسوی کوههای سیلان بحرکت درآمده‌اند آنچه اخیرا نامت ناراحتی خاطر ایلسونها گشته، یک نوع بیماری بنام «میرگوس» است، که بچیان کوسفندان اقلاده است.

متاسفانه داروی این بیماری - «وازی» - در بازار نیست و در نبودن این دارو، هر روز زحمتکشان «ایلسون» دهها کوسفند خود را از دست می‌دهند. یکی از آنها که بدنبال دارو به شهر سراب آمده بود می‌گفت:

ندار و ندار ما همین کوسفندهاست، اگر تا همین چند روز آینده روگیر نیآوریم، تمام کوسفندهای ما خواهند مرد.

اینباردم مقامات مسئول کشاورزی اقدام عاجل در این زمینه می‌نور دارند.

سرمایه‌داران بزرگ با تمام قوا علیه انقلاب

در اختیار بود که طی روزهای گذشته، ۲۵۰ کیلو گوشت پخته سالم و کمپوت‌های مختلف و همچنین ۱۰۰۰ ماهی سفید تازه، که در اطراف تهران، به‌دورریخته شده بودند، کشف شدند. همچنین طی همین روزها، مقادیر زیادی سرکه، صابون و مایع ظرفشویی احتکار شده، که مورد احتیاج شدید مردم هستند، توسط مامورین ستاد مبارزه با گرافروشی کشف و ضبط شده‌اند.

این اخبار که در روزهای اخیر بیشتر شده‌اند، از فعالیت گسترده و همه‌جانبه سرمایه‌داران غارتگر برای به‌زور آوردن انقلاب ایران و تعدیه دشواریهای اقتصادی، حکایت میکند.

سرمایه‌داران ضدانقلابی برای تحت‌تأثیر قرار دادن مردم محروم و زحمتکش، و به‌خیال خویش ناراضی‌ساختن آنها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به هر جنایتی دست می‌زنند: احتکار می‌کنند، در تولید خرابکاری می‌کنند، مواد غذایی را بنور می‌ریزند و ...

این غارتگران که عمل آنها از جنایت کشتی نیست، اکنون آشکارا علیه انقلاب ایران شمشیر کشیده‌اند.

اقداماتی که تاکنون انجام گرفته لازم است، مورد تأیید است، ولی هنوز کافی نیست، میتوان و باید با تکیه به توده‌های محروم‌چولی فعال باستانی سرمایه‌داران غارتگر را گرفت و دست آنها را از غارت مردم زحمتکش و محروم کوتاه کرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق!

توطئه‌ای در حال ...

پس از صفح ۱

کما آنرا در روحانی‌ها بنامیم و یا تاخیم کیستند که با پختیار تماس دارند و بگفته آقای ریختری بگویند: «مجموع این تلمیحات و گزافاتی که جام می‌دهند، مرحله اول، یعنی تعدیه زمین نارضانی و بهره‌برداری از مشکلاتی که در جامعه هست، به حد وافر انجام می‌شود».

روشن است که از دست فلان طلبه پسا جانی کوچک و متوسط چنین کاری ساخته نیست.

آن «تعدیاتی از بازار ایران» که با پختیار تماس دارند و در داخل کشور حساب او در بانک پول می‌گیرند، تنها با آن «تعدیاتی از روحانیان» تماس می‌گیرند، که برای کمک به‌بازگرداندن آنها بر سر کشور، به‌کاری از دستشان برآید تمام عقب‌گروهای ضدانقلابی در تاریخ ایران به کمک همین «تعدیاتی از بازار ایران» و «تعدیاتی از روحانیان» انجام گرفته است. خبایتی که اینها به کشور و انقلاب کرده‌اند، چنانکه امام خمینی پلایا در صحبت‌هایشان گفته‌اند، از تمام اخبار دیگر بیشتر بوده است. انانفادالم قسدا!

جالب است که ضدانقلاب‌برای برقراری تماس

به مشکلات فرهنگیان هفت گل رسیدگی کنید

قطع حقوق فروردین مام فرهنگیان و کارمندان ادارات هفت‌گله، بخصوص هنگامی که از این افراد بابت استفاده از خانه‌ها، شرکت نفت اجاره دریافت می‌شود، موجب نارضایتی آنان شده است. فرهنگیان هفت‌گله، از شروع فعالیت شرکت نفت در این منطقه، از تعدادی از منازل شرکت‌نفت، که ذراختیار آموزش و پرورش قرار داده شده، استفاده می‌کنند و از این بابت نیز اجاره‌بهره‌پرداخت نمی‌کنند. لکن اکنون از طرف شهرداری بابت کرایه سکونت، و براساس حقوق فرهنگیان و کرایه‌ای از ۲۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

ازسوی دیگر، حقوق فروردین ماه فرهنگیان و کارمندان سایر ادارات قطع شده است و این موضوع نارضایتی زیادی در آنان ایجاد کرده است. فرهنگیان که حقوقشان قطع شده است، طی تلگرامی که به رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مخابره کرده‌اند، ضمن تأکید بر اینکه قدر این شرایط حساسی که مبین انقلابی ماه، درگیر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم، به‌سرگردگی آمریکاست، هرگونه تشنج، تصحیح و اعتصاب زبانی است، خواستار حل عادلانه مسئله توسط مسئولین شهرداری و آموزش و پرورش منطقه شده‌اند.

فرهنگیان همچنین با غارت یک هیئت منفردی، متشکل از نماینده فرهنگیان، شهرداری، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای انقلابی، بر تفرقه‌اندازی در آید و بکارگیری آن در عمران و آبادی شهر، موافقت کرده‌اند. آنان همچنین خواستار اخذ کرایه از سایر کسانی که ساکن خانه‌های شرکت‌نفت هستند، و از درآمد بالایی نیز برخوردارند، شده‌اند.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به خواسته‌های فرهنگیان، از آنان می‌خواهیم که هر چه زودتر در جهت رفع مشکلات آنان و حل مسئله قطع حقوق فروردین‌ماه این افراد اقدامات قاطعی انجام دهند. این عمل موجب خواهد شد که ضدانقلاب و عوامل آشوبگر نتوانند از نارضایتی موجود در میان فرهنگیان و کارمندان ادارات این شهر به سود اهداف پلید خود استفاده کنند.

«لوح افتخار» را کامل کنیم

بعد از ۴ ماه، کنگره از انتشار «لوح افتخار» میگذرد، بر بنیاد خواست «نامه مردم» برای کامل کردن این لوح، که نام شهدای حزب قهرمان ما در آن درج میشود، سیل نامه و اطلاعیه روزنامه سرازیر است. باید گفت: رفقا هموطن! و باید افزود: مردم قهرمان ایران، رفتگی توده‌ای! هنوز لیست شهدای حزب ما کامل نیست. باز هم به یاری شما نیاز داریم. از شما طلب می‌کنیم که «لوح افتخار» را باز هم کامل کنید.

لطفا در ارسال نام شهیدان حتماً نکات زیرین را رعایت کنید:

- مشخصات کامل شهید را از قبیل نام، شهرت، سال تولد، محل تولد، وضع خانوادگی، حرفه و ... بنویسید.
- سابقه مبارزاتی رفیق شهید را ذکر کنید.
- تاریخ شهادت، علت دستگیری و علت شهادت رفیق را دقیقاً شرح دهید.
- عکس رفیق شهید را برای ما بفرستید.

توجه

- رفیقی نام شهید احمدشکات شیر را برای ما فرستاده است. از رفیق فرستنده خواهشمندیم که مطابق نکات یاد شده در بالا، مشخصات کامل زندگی و شهادت رفیق احمد شکات شیر را برای ما بفرستد.
- رفیقی نام رفیق شهید علی حسین شمس، دهقان ساکن قرینه دوه یا حاجی‌آباد از روستاهای تابع اروا را برای ما فرستاده است. از همه مصلحان می‌خواهیم که هر اطلاعاتی پیرامون زندگی و شهادت این رفیق دارنده مطابق نکات یاد شده در بالا، برای ما بفرستند.

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران - شهرستان بوشهر به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران با صمیمانه‌ترین درودها و با وجودی سرشار از اعتقاد به سوسیالیسم علمی و با احترامی عمیق نسبت به کمیته مرکزی بر افتخار حزب توده ایران، برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طرازتوین طبقه کارگر ایران، را صمیمانه تبریک می‌گوئیم و با درک عمیق مسئولیت تاریخی خویش در این لحظات سرنوشت‌ساز، ضمن اعلام پشتیبانی همه‌جانبه از کلیه مصوبات پلنوم، خود را وظیفه‌مند میدانیم که با تمام امکانات برای تحقق برنامه حزب مصوب پلنوم، جهت تثبیت و تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، بکوشیم.

نفت مورد نیاز سراب را تامین کنید!

توزیع نفت مورد نیاز شهر سراب و حومه از حدود یک ماه قبل متوقف شده است. به همین جهت کمبود نفت در منطقه پدید است که مردم حتی برای مسافرت و چراغ خودا کویز می‌نفت ندارند. این وضع و پستی شایعاتی در بین مردم، منتهی بر وجود ۴۰ هزار لیتر نفت در انبار نفت سراب، باعث نارضایتی مردم شده است. ما از مسئولین این شهرستان می‌خواهیم که با حل مشکل توزیع نفت، جلو نارضایتی مردم را بگیرند.

داخل) زمینه را برای انجام «کار نهایی» فراهم سازند.

«کار نهایی» به چه صورت انجام خواهد گرفت؟ پیش‌بینی آن قبل از فراهم شدن زمینه دشوار است. پس بهترین وظیفه ما در لحظه کنونی ازین بریدن این زمینه است. این زمینه باید با یکجا اجتماعی اقتصادی دارد. کلان سرمایه‌داران بزرگ مالکان تاهستند و امکان دارند، دست از توطئه برای براندازی حکومتی که صدزصد تابع خودشان نباشند، برنمی‌دارند. سستی و عدم قاطعیت ما در برابر یکجا های اجتماعی و اقتصادی ضدانقلابی و چادمان‌گشای آن، نوز بروز این زمینه را تقویت میکند. تالخطه‌ای که برای اجرای «کار نهایی» مانند ۲۸ مرداد، تنها یک فرمان لازم است. آنچه از منادی آمریکا و بی‌بسی!

پس همانطور که با هشدار شکیه‌بم‌گذاران کشف شده است - و این مایه خوشحالی و موجب تقدیر است - همانطور هم امید هست که با قاطعیت ریشه توطئه‌گران ضدانقلابی کنده شود. همانطور هم انتظار میرود که پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضدانقلاب - کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان - نیز ازین برده شود. هر اقدامی در تمام این زمینه‌ها، بدون تردید مورد پشتیبانی بی‌درنگ همه مردم زحمتکش و همه نیروهای انقلابی قرار خواهد گرفت.

شبهه ضدانقلابی پختیار به کلان سرمایه‌داران (بازار)، ملاکان بزرگ و روحانیون وابسته به این طبقات متکی است و تمام فعالیت‌های ضدانقلابی خود را در پوشش این طبقات انجام میدهد. هدف فعالیت این شبکه در لحظه کنونی «تعدیه زمین نارضانی و بهره‌برداری از مشکلاتی که در جامعه هست». لیرالها نیز عیناً از این مشکلات و بزرگ کردن آنها برای تعدیه زمین نارضانی بهره‌برداری میکنند.

ناگفته نگذاریم که انحصار طلبان و قسریون نیز با اقدامات تنگ‌نظرانه و تاریک‌اندیشه‌شان خود بی‌دردی «مشکل» می‌آفرینند و به دست لیرالهای مقیم و فراری بهانه می‌دهند.

کشف شبکه «پارس» که بقول آقای ریختری «حکایت از یک توطئه در حال تکوین علیه جمهوری اسلامی ایران دارد» و اشترافات دستگیرشدگان این سازمان، یک بار دیگر این حقیقت را به ما یادآوری میکند که امپریالیست‌های آمریکایی از سرما دست برنمی‌دارند و میکوشند با همکاری تمام نیروهای مخالف انقلاب (از فرج و رضاهلوی و اویسی و پختیار گرفته تا مندی، نرینه و مقدم مراه‌غی در خارج و «تعدیاتی از بازار ایران» و «تعدیاتی از روحانیان» و ملی‌گرایان اسلامی» و «مسلمانان» ملی‌گرا در

نورالدین کیانوری:

نقشه دوگانه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران

● امپریالیسم پایانی هم دو نقشه را دنبال میکند: بازگرداندن حکومت فاشیستی اژسی‌ها و سپردن قدرت به لیبرال‌های جاده‌صاف‌کن ضدانقلاب

پرشش: حملات اخیر نشریه "مجاهد" را به حزب توده ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ: ما آنچه تا به حال گفتنی بود درباره سازمان مجاهدین خلق ایران گفتیم. قصد ما در اینجا به هیچ وجه درهم شکستن این سازمان نبوده و نیست. تنها می‌خواهیم به مجاهدین خلق کمک کنیم که به راهی که به نظرم آنها به جنبش انقلابی و ضدامپریالیستی کشور ما، بلکه حتی به خود آنها صدمه می‌زند، نروند.

بدبختانه عکس العمل سازمان مجاهدین خلق پراکنده نقشی که ما برای آن قائل بودیم، نبوده است. آخرین نمونه آن نیز هتاک‌ها و تحریفات شماره "اخیر" مجاهد است. برای مثال، جواب آن‌ها را به قسمتی از گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب ما به‌نام نوم هفدهم بگیریم، که مربوط به چاق‌داری و ریشه‌های آن می‌شود. توصیه ما به مخالفین "مجاهد" این است که اگر از گفته‌های ما نقل می‌کنند، لاف‌ها حداقل صداقت را رعایت نکنند، به حذف قسمت‌های اساسی و تعیین‌کننده نپردازند. نتیجه‌گیری درباره مطالب تحریف شده، درجهت غرض‌ورزی کارساز است.

البته ما این رانشانه قدرت منطق و استدلال نمی‌دانیم. چون کسانی که به منطق و استدلال خود اطمینان داشته باشند، احتیاجی ندارند که به چنین شیوه‌های تحریف‌آمیز و به قول هروف "بازاری" متوسل شوند. امیدواریم که مجاهدین خلق در آینده توجه بیشتری به این امر داشته باشند، چون مردم رانمی‌شود مدت زیادی غافل نگه‌داشت. بالاخره چشم‌ها باز خواهد شد و تاریخ نیرومندتر از این ترندهاست.

پرشش: آیا "رویداد نور" یک انقلاب بود یا یک کودتا؟ جرابخشی از نیروهای سیاسی ایران، که صادقانه علیه امپریالیسم آمریکا مبارز می‌کنند این قدر با افغانستان که همچنین مورد تجاوز آمریکا و دستیارانش قرار گرفته‌است، کینه‌توزانه دشمنی می‌ورزند؟

پاسخ: درباره سؤال اول باید گفت که دو شکل مختلف می‌توانند محتوی یکسان داشته باشند و برعکس شکل نمایانگر محتوی‌های گوناگون باشد. این موضوع در مورد تحولات اجتماعی هم صادق است. مثلاً در کشورهای سوسیالیستی، انقلاب به صورت‌های گوناگون صورت پذیرفته است، ولی محتوی همه آن‌ها ثابت بوده است. در مورد انقلاب‌های کشورهای رشدیافته، چه ملی - دمکراتیک و چه با ستمگری سوسیالیستی نیز وضع چنین است.

برای نمونه مصر و ترکیه را بگیریم. در مصر یک خربه نظامی از سوی

هتاک و تحریف از سوی مجاهد نشانه قدرت استدلال و منطق نیست!

نیروهای ضد امپریالیستی ایران رفته رفته واقعیت افغانستان را درمی‌یابند.

بازگرداندن فاشیسم خواست حداکثر و نهایی امپریالیسم امریکاست؛ لیبرال‌ها تنها جاده‌صاف‌کن آن هستند.

رهبری جبهه متحد خلق را تنها ترکیبی آن در شرایط مشخص اجتماعی - سیاسی تعیین میکند.

یک گروه انقلابی نظام ارتجاعی حاکم را درهم شکست و بایستی‌های خلق یک رشته تغییرات بنیادی را در مصر پدید آورد. در صورتی که در ترکیه چندماه پیش یک کودتای نظامی تنها دولت موجود را برکنار و نظام اجتماعی حکمفرما را تثبیت کرد.

خوب، در هر دو مورد در واقع رویدادی به شکل کودتا انجام گرفت ولی در مورد اول به آنکه‌هایی منجر شد و در مورد دوم یک کودتای نظامی ارتجاعی ماند.

برعکس، انقلاب‌هایی که در کوبا، ویتنام، چین، الجزایر، موزامبیک، آنگولا و بنین و غیره انجام شد به اشکال مختلف آغاز گشت، ولی دارای محتوی نسبتاً یکسان بود، بدین معنی که تغییرات بنیادی را پایه نهاد.

در افغانستان هم نخست گروهی متشکل از نظامیان و افسران مترقی ارتش ضربه‌های وارد آورد که بساط سلطنت را برچید و باتکیه بر مردم و به سود آن‌ها اصلاحات و تغییرات بنیادی را آغاز کرد. تغییراتی که به انقلاب دمکراتیک - ملی انجامید. بنابراین، ما رویداد نور را به عنوان انقلاب ارزیابی می‌کنیم و برای آن در منطقه اهمیت زیادی قائل هستیم.

اما در مورد بخش دوم سؤال، که چرا متأسفانه بخشی از نیروهای ضدامپریالیستی ایران، که علیه امریکاهم به شدت مبارزه می‌کنند، نمی‌بینند که در افغانستان هم همین آمریکا و عوامل آن هستند که برای درهم شکستن حاکمیت انقلابی تلاش می‌ورزند.

در این باره تحلیلی، که روزنامه "کیهان" چندی پیش پیرامون افغانستان نوشت، جالب است. در مقاله "کیهان"، که به هیچ وجه نمی‌توان آن را "کمونیست" خواند (گرچه برای لیبرال‌ها و روزنامه‌هایی مانند "میزان"، هرکه با لنین جای‌خورد هم کمونیست است!)، گفته می‌شود که از ۶۵ گروهی که در افغانستان علیه دولت می‌جنگند، تنها دو گروه بواقع اسلامی و در خط امام خمینی هستند. از این بگذریم، که یکی از این دو گروه، که دارودسته آقای گلبدین حکمت‌یار باشد، به عقیده ما همان قدر ارتجاعی است، که آن‌های دیگر و تنها توانسته است بهتر از دیگران ماسک برچهره بزند، ولی به هر حال این خود پیشرفت بزرگی است. چون زمانی هرکه علیه دولت انقلابی افغانستان "مبارزه" می‌کرد، "ملی" و "غیرولایتی"، "انقلابی" و "ضد امپریالیست" ارزیابی می‌شد. خوب یادمان هست که آقای قطب‌زاده این‌ها را برداشت و با خرج

دولت ایران و به عنوان بخشی از هیئت نمایندگی ایران به کنفرانس اسلامی برد. این‌ها همان کسانی هستند که بعد پهلوی سادات و ریگان رفتند، از آن‌ها اسلحه گرفتند و حال دیگر کوس رسوایی‌شان را بر همه پام‌ها زدند. بعد هم همین آقایان "ضد امپریالیست" (!) بودند که به خرج دولت ایران به سوئیس برده شدند و آن تئاتر مسخره را برپا کردند.

اما تاریخ در عرض مدت کوتاهی نشان داد که اسلام این مزدوران قلابی در آمد و معلوم شد چیزی جز اسلام آمریکائی نیست.

نیروهای انقلابی قاعدتا باید بدانند که در افغانستان هم اویسی هست، پالیزبان هست، زرگاری هست، رنجبری و پیگاری هم هست. بنابراین، حالا که ما انواع و اقسام این‌گونه گروه‌های ضدانقلابی را خود داریم، باید تعجب کرد که برخی از نیروهای انقلابی چنین پدیده‌های را در افغانستان نبینند!

این که گروه‌های ضدانقلابی افغانستان مدت‌ها خود را زیرشمارهای باصلاح اسلامی پنهان می‌کردند و می‌کنند، باعث شد که در مسلمانان انقلابی ایران برای مدت زیادی سردرگمی ایجاد شود. ولی همان‌طور که ما بارها گفتیم حقیقت، هرچند آهسته، بالاخره راه خود را پیدا خواهد کرد و مأموران اکنون شاهد تجدید ارزیابی‌های غلط گذشته دربردم محسوسی هستیم.

در این مورد جالب است که یکی از مجلات آمریکایی نوشته است، که اردوگ‌های ضدانقلابیون افغانستان در پاکستان به یکی از بزرگترین منابع هروئین بدل شده است و این هروئین مثل سیل از راه ایران به اروپا و آمریکا و دیگر نقاط جهان سرازیر می‌گردد. این آرزو هنوز خواست حداکثر به رفاقت توصیه می‌کنیم که برای توضیحات بیشتر درباره مسئله افغانستان به سرفاله شماره "آهسته دنیا" رجوع کنند.

پرشش: در شرایط حاضر، آیا امپریالیسم ترجیح می‌دهد که از لیبرال‌ها به عنوان جاده‌صاف‌کن فاشیسم استفاده کند، یا این که به قبول ریگان فقط خواهان روی کار آمدن حکومت "میانرو"ها است؟

پاسخ: به نظرم خواست اصلی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، روی کار آوردن حکومتی از نوع محدود رضاییه‌ای است. توطئه کودتایی نوزدهم همین منظور را داشت. قرار بود حکومت اویسی‌ها را برقرار کنند. حالا این که این حکومت با "رضائیه‌پهلوی" می‌بود یا بدون او، این مسئله اساسی نبود. این آرزو هنوز خواست حداکثر آمریکا است. اما البته در شرایط معین تاریخی - اجتماعی، میان خواست و واقعیت خیلی فاصله می‌تواند وجود داشته باشد.

بدین ترتیب، ممکن است که امپریالیسم برای مدتی موقت به حکومتی جاده‌صاف‌کن و لیبرالی تن دردهد. نمونه این را در ترکیه دیدیم. در آنجا مدتی با دمکراسی بورژوازی بازی کردند. بعد دیدند که بحران پیوسته عمیق‌تر می‌شود و از ترس این که جریان از دستشان دربرود به اجابت و دیگر سیاستمداران لیبرال گفتند "فلا بروید آب خنک بخورید!" و نظامیان قدرت را به طور مستقیم به دست گرفتند.

این جریان ممکنست در یونان و اسپانیا هم تکرار شود. یعنی در کشورهای، که دمکراسی بورژوازی هنوز نتوانسته است توده‌های مردم را به اندازه کافی مسموم کند، که به طور اتوماتیک و داوطلبانه به بورژوازی رای بدهند، هیچ وقت راه حل نهایی وجود ندارد و بورژوازی هرآن ممکن است برای اعمال حاکمیت خود به خونت‌بارترین شیوه‌ها متوسل شود.

در شرایط کنونی ایران، امپریالیسم آمریکا به موازات هم دو نقشه را می‌خواهد اجرا کند: به روی کار آوردن حکومتی از قماش اویسی‌ها و سپردن قدرت به لیبرال‌ها. البته تلاش بیشتر در راه اجرای نقشه اول به‌کار می‌رود، چون به صورت مطمئن‌تر و پایدارتری می‌توانند منافع از دست‌رفته را بازگردانند. ولی تا موقتی که شرایط برای اجرای موفقیت‌آمیز این نقشه آماده نیست، هم آن‌ها مصروف روی کار آوردن لیبرال‌ها خواهند شد. لیبرال‌هایی که تنها جاده صاف‌کن ضدانقلاب عریان هستند.

پرشش: چرا شما رهبری جبهه متحد خلق را به امام خمینی یا اصولا به خردمبورژوازی می‌خواهید بدهید؟

پاسخ: به نظرم اینجا سوء تفاهمی در میان است. رهبری دست ما نیست که آن را به کسی یا نیرویی هدیه کنیم. مسئله بر سر این است که به عقیده ما در شرایط کنونی تشکیل جبهه متحد خلق ممکن و ضرور است. این جبهه باید همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی - کارگران، دهقانان، خردمبورژوازی، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش و غیره - را دربرگیرد. از نظر سیاسی، این جبهه طیف وسیعی خواهد بود که در یک طرف آن مسلمانان انقلابی بیرو خط امام و در طرف دیگر پیروان راه سوسیالیسم علمی (مشمول بر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت)) قرار خواهند گرفت.

به نظرم چنین جبهه‌ای می‌تواند امروزه و در شرایط مشخص کنونی تنها زیر رهبری امام خمینی، که دارای اعتبار و شخصیت ویژه‌ای در میان اکثریت قاطع مردم ماست، بوجود آید. رهبری جبهه متحد خلق چیزی نیست، که از خارج بتوان بر آن تحمیل کرد. این ترکیب خاص خود این جبهه است که خود محصول شرایط مشخص اجتماعی - سیاسی روز است و ماهیت رهبری خویش را تعیین می‌کند.

خونتای نظامی

آرژانتین

مردی جدید را

بروی صحنه

می فرستد

"خونتا" نظامی آرژانتین مرد جدیدی را بر روی صحنه آورده است: ژنرال ادوآردو ویولا. وی در آغاز سال ۱۳۶۰ ریاست جمهوری آرژانتین را به عهده گرفت. کابینه ویولاش نظامی و هفت غیرنظامی را در برمیگیرد. آیا، بدینسان، فصلی نوین در سادات پنج ساله نظامیان در آرژانتین آغاز می‌شود؟ آسپاست ضدکارگری دولت آرژانتین ادامه خواهد یافت؟

آنتونی فاوا، دبیر کل حزب کمونیست آرژانتین، در پاسخ به این پرسش‌ها، در جلسه اخیر کمیته مرکزی این حزب اظهار داشت:

"پاسخ به این سؤالات آسان نیست. توده مردم خواهان دگرگونی هستند. اما آنها که اهرم قدرت را بدست دارند و نظامیان می‌کشند تا از چنین دگرگونی جلوگیری کنند و یا لاقابل آنرا محدود کنند، دارند."

چنانکه خواهیم درباره ویولا، بر پایه موضعگیری‌هایش در زمان ویولا، (سلف او)، به قضاوت بنشینیم، باید بگویم که ویولا به آن جناح از نظامیان مسلح نداد که به نام نظامیان ناسیونالیست و پهنوشیست معروف هستند. ویولا نماینده نظامیانی است که علاقمندی محدود به کشایشی دمکراتیک نشان داده‌اند. ویولا تنها در گفتار، مدعی چنین علاقمندی بود. وی از یکسو، به سرکوب ابتدائی ترین آزادی‌های دمکراتیک دست می‌بازید و از سبب اقتصادی ضدکارگری پیروی میکرد و از سوی دیگر، دامن از گفتگو با نیروهای دمکراتیک سخن می‌گفت. جالب اینجاست که نظامیان آمریکا دوست آرژانتین از پیروی از تحریم غله به اتحاد شوروی، که به ابتکار دولت گارتز اعمال شد، سر باز زدند، نه چندان به خاطر انگیزه‌های سیاسی، بلکه در درجه نخست به علت مصالح اقتصادی و فشار دهقانان آرژانتین.

امکان و محدودیت «کشایش» دمکراتیک

اینکه ادعای «کشایش دمکراتیک» از سوی ویولا تا چه حد تحقق خواهد یافت، به موجب ارزیابی حزب کمونیست بقیه در صفحه ۶



کارگران اطوکش
جوراب تبریز:

اتحاد و یگانگی تنها عامل پیروزی بر امپریالیسم
آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است

در تبریز بیش از پنجاه کارگاه
اطوکشی جوراب وجود دارد که در هر
یک از آنها، به تفاوت، از استاد مقرر کارگر
کار می کنند. کار این کارگران اطوکش
جوراب های بافته شده است و از این جهت
کارگاه ها بیشتر در جوراب بافی ها
قرار دارند. در این کارگاه ها جوراب را
با ابتدای ترین وسایل اطو می کنند و
پس از بسته بندی به بازار عرضه می کنند.
کارگرانی که در این رشته کاری -
کنند، از کمترین امکانات رفاهی
برخوردار نیستند. محل کار آنها بیشتر
در پاساژها و تجمعات قدیمی است.
آنها از کوچکترین امکانات بهداشتی
بی بهره هستند.

برای آشنایی بیشتر با کار و
زندگی این کارگران باید چند تن از آنان
بمکتونوشتم. جعفر یکی از کارگران
گفت:

"ما در این کارگاه جوراب های
بافته شده را اطو می کنیم. اگر بخواهیم
جوراب برای اطوکش در اختیار ما
بگذارند، ما کار خواهیم داشت. در غیر
این صورت بیکار می مانیم. مثلا در فصل
تابستان با کمبود کار مواجه هستیم."
رضا، یکی دیگر از کارگران، گفت:
"از وقتی که ماشین های خودکار
یافتندگی وارد بازار شده، کار ما از رونق
افتاد است."

وی که سالهای مدیدی در این
رشته سابقه کار دارد، ضمن تأکید بر لزوم
تشکیل صنفی کارگران گفت:

"در سال های ۲۴-۲۵ دارای
سندیکای بودیم، ولی رژیم منحوس و پهلوی
بعد از به خاک و خون کشیدن جنبش
دمکراتیک آذربایجان و شکست حکومت
ملی آن، بیشتر سندیکای کارگری،
از جمله سندیکای ما را منحل کرد.

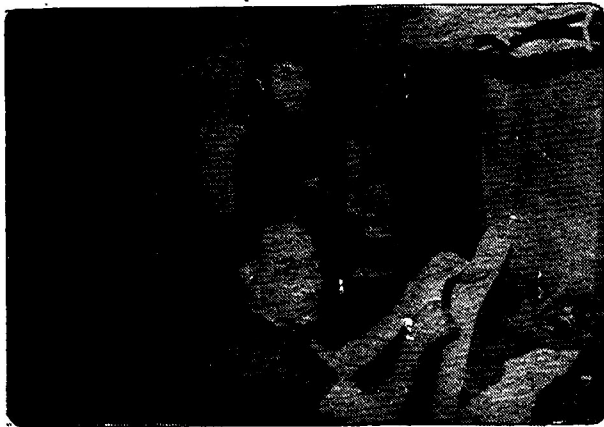
مزدوران رژیم حتی به جرم عضویت در
سندیکای در بنی های آب نمک ریخته شدند.
مانا بحال چندبار برای تشکیل سندیکا
اقدام کرده ایم، ولی تا کنون موفق به
ایجاد آن نشده ایم. اگر دولت به ما
کمک کند، ضمن تشکیل سندیکا،
می توانیم به کار خود توسعه دهیم و به امر
خودکفایی نایل شویم. سندیکا وسیله
ای است که می توانیم به وسیله آن وحدت
خویش را حفظ کنیم و انقلاب را به پیش
بریم."

جعفر در ارتباط با مسئله خود -
گفتی گفت:

"امروز جوراب های مرغوبی در
آذربایجان بافته می شود. مشکلی که این
صنف با آن روبروست، کمبود برخی از
وسایل اولیه مانند سوزن است. اگر
صنعتگران ایرانی بتوانند به تولید آن
بپردازند، یکی از مشکلات ما برطرف
خواهد شد. خوشبختانه همی از پیروزی
انقلاب، جهاد سازندگی اقدام به تولید
ماشین جوراب بافی کرده است و این خود
کمک بزرگی است برای خودکفای بودن.
برای رسیدن به خودکفایی، به نظر من
می توان از کشورهای که قصد استثمار ما
را ندارند، استفاده کرد."

کارگران و مسئله جنگ

جعفر در ادامه سخنانش ضمن
انتزاع بحث از رژیم صدام گفت:
"این جنگ صد درصد توسط
آمریکای جهان خوار به ماتمیل شده



اگر طرح جیره بندی در کار نبود، حسرت قندور و غنم بردل مایمان!

آمریکای محوشود، مردم جهان آسوده
نخواهند بود، آمریکا می خواهد بین ما
تفرقه بیندازد، تا از این طریق به هدف
های سو خود نائل شود. تنها اتحاد
مردم است که می تواند به عنوان مشت
محکمی بر دهان آمریکا باشد. اگر اتحاد
باشد، هم چیز درست می شود.

سرمیه بندی کردن کالاهای
ضروری و ملی کردن
بازرگانی خارجی

جعفر در مورد ملی کردن بازرگانی
خارجی گفت:

"در رژیم پهلوی ما تصور کشیدن
دمکراتیک آذربایجان را در پیش
گرفته بودیم. سندیکای ما را منحل کرد.
ما تا بحال چندبار برای تشکیل سندیکا
اقدام کرده ایم، ولی تا کنون موفق به
ایجاد آن نشده ایم. اگر دولت به ما
کمک کند، ضمن تشکیل سندیکا،
می توانیم به کار خود توسعه دهیم و به امر
خودکفایی نایل شویم. سندیکا وسیله
ای است که می توانیم به وسیله آن وحدت
خویش را حفظ کنیم و انقلاب را به پیش
بریم."

دهیم. باید همواره هشیار باشیم، تا
بتوانیم توطئه ها را خنثی کنیم. همه
باید متحدا دست به دست هم دهیم،
تا انقلاب را به پیش ببریم. تأکید می کنم
روی این مسئله که، باید هم متحدا باشیم
تا موفق شویم."
نصرت، یکی دیگر از کارگران، که
سی و پنج سال در این رشته سابقه کار
دارد، گفت:

"من حاضر حتی جان خود را
فدای انقلاب کنم. حاضر به جبهه
بروم، ما برای بیرون راندن صدام و
آمریکا باید تا آخر مبارزه را ادامه دهیم.
باید با تمام توان، تا آخرین قطره خون
مبارزه کنیم. همان طور که امام خمینی
گفتند: "آمریکا هیچ غلطی نمی تواند
بکند."
اکبر، کارگر دیگری که روزها کار
می کند و شبها درس می خواند، درباره
جنگ گفت:

"من با اینکه از خدمت سربازی
معاف هستم، ولی به خاطر دفاع از
انقلاب و میهن حاضر هر موقع که
بخواهند به جبهه بروم. این جنگی است
که آمریکا با تمام توان در پی
اصغر، که کارگر مستی است، گفت:
"تا امپریالیسم آمریکا هست،
توطئه هم هست. آمریکا هر روز یک توطئه
جدید برای شکست انقلاب ما می چیند و
این جنگ هم توطئه است. تا امپریالیسم

از زبان کارگران
تا امپریالیسم آمریکا هست
جنگ و توطئه هم هست

"اصل ۴۴ قانون اساسی باید هر
چیز در برابر حاکم عمل در آید. تاخیر در
اجرای ملی شدن بازرگانی خارجی به
دیگر این کردن کلفت ها سود سرتار
نخواهند برد. دولت باید با مسئله
گران فروز قاطعانه برخورد کند. این
خطری است جدی، که انقلاب را تهدید
می کند."

نصرت در این مورد گفت:
"من از مسئولان امر می خواهم که
هر چه زودتر جلوی گرانی را بگیرند،
چون درآمد ما خیلی کم است و گرانی
ما را بکلی فلج کرده است. نگاه کنید،
تمام دندان هایم افتاده است، ولی پول
ندارم که دندان بگذارم. دولت باید به
خاطر ما که درآمد ما کم است، شرکت
تعاونی باز کند."

وضع بیمه و بهداشت

هیچیک از کارگران بیمه نیستند
و گذشته از آن از محیط کار مناسبی نیز
برخوردار نیستند. جعفر در این مورد
گفت:

"سابقا اینجا کاروانسرا بود.
در زمان طاغوت طی یک سری زد و بند
باشهرداری اینجا را بصورت پاساژ درب
آوردند. روی این اصل به هیچ وجه
موقعیت بهداشتی اینجا را در نظر
نگرفتند. حتی در اینجا دست شویی
و توالت هم موجود نیست."

وی در مورد بیمه گفت:
"دولت باید تمام کارگران
کارگاه های کوچک را زیر پوشش بیمه
در آورد. و نیز کارگاه های کوچک را به
صورت مجتمع در آورد."

هم درس و هم کار

اکبر جوانی است که ضمن کار در
این کارگاه، درس هم می خواند. او در
این مورد گفت:

"هر چند این کار مشکل است.
ولی لازم است. اصلا کتاب ها به علت
عوض شدن دیربخت ما رسید، در
نتیجه هم به ما فشار وارد شد و هم به
معلمان. ما سانسها و برخی از معلمان مبارز
و خوب ما را پاکسازی کرده اند. من
امید دارم که اینها هر چه زودتر سر کار
برگردانند شوند و فقط وابستگیان به
رژیم گذشته پاکسازی شوند."
وی در پایان اظهار داشت:

"عدای با پیروی از دستور
برزینسکی می خواهند مسیر انقلاب ما
را منحرف کنند. ما وظیفه داریم که در
مقابل آنها در تقویت خط امام بکوشیم
برای پیروزی انقلاب، همه باید علیه
ضدانقلابیون، از مائوئیست ها گرفته
تا بختیار و بالیزبان و اویسی متحد
باشیم. بر همه واجب است که برای
تعمیق انقلاب بکوشیم. تا انقلاب به
هدف اصلی خود، یعنی رسیدن به
حقوق واقعی زحمتکشان برسد."

مسئولان امر باید
کارخانه تئون
پلاستیک سازی را
خود احیاء کنند!

از چندین ماه پیش، مسئولان
کارگران شرکت تابلونشون پلاستیک سازی
از سوی کارفرما برداشت نمی شد. کار -
فرما هر بار که در مقابل خواست های
قانونی کارگران قرار می گرفت، از آنها
می خواست که به او مهلت دهند. او یکبار
مهلت سه ماهه خواست، ولی نه تنها
بعد از سه ماه، بلکه پس از گذشت شش ماه
باز هم از برداشت مزایای قانونی کارگران
طفره رفت. کارگران، که محض و اعتماد
را در شرایط کونی درست نمی دانند،
تصمیم گرفتند از طریق قانونی و با شکایت
بموزارت کار به خواست های خود جامه
عمل ببوشانند.

روز پانزدهم فروردین ۶۰ کارفرما به
کارگران اظهار داشت که از این پس شرکت
تعطیل است. او دلیل اتخاذ چنین
تصمیمی را اینگونه توجیه کرد که چون
تا بلوسازی مثل گذشته رونق ندارد،
بنابر این چاره ای جز تعطیل شرکت وجود
ندارد.

یکی از کارگران به کارفرما گفت:
"چطور تا پیش از عید کار بود، ولی
حالا یک دفعه کارها تمام شده است؟
کارگر دیگری بنام پدال گفت:
"۹ سال است اینجا کار می کنم.
طی این مدت کارفرما از سودهای کلانی
برخوردار شده است. حتی اوسالی دوبار
به خارج از کشور سفر می کرد. حال او
در مقابل خواست های برحق ما به بهانه
متوسل شده است."

صاحب شرکت در پاسخ به کارگران
کرده و گفت:

"اگر کارهت خودتان شرکت را
بگردانید، بشرط آنکه مخارج من و شرکت
را تمام کسانی را که در ارتباط با من کار
می کنند، بپردازید."
کارگران این گفتار کارفرما را حیل
ای برای از میدان بر سر بردن خود
می دانستند، زیرا اوبخوبی می دانست
که اولاً: کارگران در مورد نحوه و کیفیت
گرفتن کارگسکی تماس ندارند. ثانیاً:
برای خریدنشون پلاستیک و مواد اولیه
دیگر نیاز به سرمایه اولیه هست، که آنها
فاقد آن هستند. ثالثاً: مخارج صاحب
شرکت و کسانی که در ارتباط با او کار
می کنند، چند برابر مخارج شرکت و حقوق
کارگران است. بنا بر این کارگران پیشنهاد
کارفرما را نپذیرفتند.

کارفرما سپس به کارگران اظهار
داشت که روز ۶۰/۱/۲۴ مزایای آنها را
پرداخت خواهد کرد. در آن روز همه
کارگران به شرکت مراجعه کردند و طی
گفتگو با کارفرما به توافق رسیدند که
از دریافت مزایا کارخانه تعطیل شود.
ناگفته نماند که عدای از کارگران حاضر
به تعطیل شرکت نبودند، ولی چون
اکثریت کارگران با کارفرما به توافق
رسیده بودند، دیگران اجبارا با پذیرش
آن تن در دادند.

پس از آن، کارفرما چکهایی به
مبلغ ۲۵۰ و ۲۵۰ و ۳۰۰ هزار ریالی،
نسبت به سابق کارکرد کارگران، به آنان
پرداخت و مسئله به این صورت خاتمه
یافت.

مسئولان امر باید همزمان با بالا
گرفتن زحمه تعطیل شرکت از طرف کار -
فرما اداره امور شرکت را خود به عهده
می گرفتند، تا در این شرایط حساس از
بیوستن عدای دیگر به خیل بیکاران
جلوگیری به عمل می آوردند. برای اتحاد
چنین تصمیمی هنوز دیر نیست.

کارگران مبارز ایران!
در یک دست با نیز از کار و در دست دیگر
با سلاحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

جشن اول ماهه
روی مرشد یکدکشی
فرهنگ پندرامه
شهر - در این
جشن کلرگران
خدمت یکدکشی
ها شرکت داشتند.

تقویت پشت جبهه مکمل تقویت جبهه انقلاب است

ویژه روستاهای آذربایجان

لیکن اهالی با کمک بسیج و نیز اتحاد خود به ضدانقلاب فرصت توطئه را نداده و نمی دهند.

در این روستا آب لوله کشی و برق و حمام وجود ندارد.

روستائیان سمریقر امیدوارند که دولت و نهادهای انقلابی با رسیدگی به روستاهای کردتشنین ضدانقلاب را خلع سلاح و روستائیان را در تقویت پشت جبهه یاری دهند.

روزی جوانان در جهاد سازندگی، می گویند:

"زمانی ما بچه های شهری را بی دست و پا می دانستیم، ولی حالا این بچه های انقلاب ماشاالله همه کارماند."

روستائیان پلاتیبه، علاوه بر اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی، خواسته های دارند که اهم آنها به قرار زیرند:

کشاوری انجام دهند. از بهره برداری درست از منابع خاک گرفته تا استفاده صحیح و متناسب از آب موجود، ارزشه مهم دامپرستی گرفته تا زمینه حیاتی مبارزه با آفات و تهیموم، از امور مالی و اعتبار گرفته تا امور برنامه ریزی، از امور درمانی و بهداشتی گرفته تا مسائل عمرانی و بهسازی، کارشناسان و خبرگان می توانند یاری و یاور دهقانان و نهادهای باشند و به همین انقلابی خدمت کنند.

بنابر ماهیت و محتوی کار خود از خصلت دوگانهای برخوردار هستند: از سویی با نهادهای دولتی در ارتباط هستند و از جهت دیگر با روستائیان پیوند دارند و می توانند نیروی توده دهقانی را بسیج کنند و به نهادهای انقلابی، چون هیئت هفت نفری، در حل مسئله زمین و مشکلات کشت و دام و سازمان تولید و همچنین به جبهه سازندگی در عمران و آبادی روستاهای یاری رسانند. نمونه روستای اوصالو، که در آن شورابه اتفاق جهاد سازندگی اقدامات مفیدی را به انجام رسانده است، می تواند سرمشق قرار گیرد.

روستائیان محروم و انقلابی کشورمان همواره مدافع و نگهبان انقلاب و دستاوردهای آن بوده و هستند. دهقانان زحمتکش آذربایجان، هر زمان که دشمنان انقلاب قصد تهاجم به انقلاب را کرده اند، مردانه باخاسته و همراهِ زحمتکشان شهرها در حفظ و حراست از آن مبارزه کرده اند. آنها اینک نیز به دفاع از انقلاب بزرگشان مشغولند.

روستائیان آذربایجان در راه تقویت جبهه و پشت جبهه، با مشکلات و مسائلی روبرو هستند که حل نشوند، در طول مدت تأثیر منفی خود را بر جای خواهند گذاشت. نمونه های این مشکلات عبارتند از: کارشکنی ها و سواستفاده ها، ایجاد آشوب و اغتشاش و بطور کلی توطئه چینی ها از سوی بزرگ مالکان و آبادی آنها، عدم برخورداری آرزومین، آب و سایل تولید و خدمات بهداشتی و درمانی، آموزشی، تسهیلات ارتباطی با شهرها و غیره.

توسیع دولت و قطع دست واسطه ها - تشکیل شورای ده با همکاری نهادهای و مسئولین انقلابی (شورابه سبب دودستگی ایجاد نشده است) - تأمین آب زراعی در تابستان (از این جهت اهالی در مضیقه هستند) - پرداخت وامهای کشاورزی - طول مدت جهت خرید ماشین آلات و تهیه کود و بذر مرغوب، - آب لوله کشی و برق.

برای بشرف نشستن مشارکت عمومی دهقانان زحمتکش و خدمت متخصصان امور ضروریات که دولت و نهادهای دولتی در حد توان وسائل و امکانات لازم را مهیا سازند، باید توجه داشت که تقویت پشت جبهه در واقع یعنی تلاش برای اختیاری کردن توطئه های دشمنان انقلاب و مکمل تقویت جبهه است.

باید کوشش شود که مشورتهای مکتبی بر جمع دهقانان تهنیدست در تمام روستاها تشکیل شود و وقت لازم بعمل آید، تا عوامل و آبادی بزرگ مالکان در شوراها رخنه نکنند.

دهقانان تهنیدست نیز باید در تشکیل شوراها به افکار نامطمئن و انقلابی و دیگر افراد مومن عضو نهادهای دولتی و انقلابی تکیه کنند.

هممی دانند که این گونه موانع و مشکلات خود معلول غارتگری و جپاولگری امپریالیست ها و پاور آتان، رژیم گذشته و منقرض پهلوی، و در حال حاضر نیز بزرگ مالکان و حامیان آنان و دیگر دشمنان داخلی و خارجی انقلاب است.

ایقان

روستای ایقان یکی از روستاهای شیبستر است. در جنوب آن صحرای بزرگ شورمزاری هست که به دریاچه ارومیه منتهی می شود. زمینهای شمالی روستا مناسب کشاورزی است، لیکن روستائیان به حد کافی نمی توانند از زمین های شمال روستا بهره بگیرند. آنها در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

برای تأمین ماشین آلات کشاورزی اهالی نیاز به یاری نهادهای دولتی و انقلابی دارند. استفاده از کود حیوانی در روستا معمول است، لیکن برای کشتزار گندم سالی دوبار از کود شیمیایی استفاده می کنند. کود شیمیایی نیز معمولاً به چند برابر قیمت اصلی در بازار فروش می رود. دولت سال گذشته مقداری بنز کشاورزی در اختیار مردم قرار داد.

روستای ایقان در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای ایقان در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای ایقان در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای ایقان در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

یورتچی

در خانه شیوروستای یورتچی ۵ (۵ کیلومتری اردبیل - ۱۴۵ خانوار ۱۱ خانوار بی زمین) کوهچه های گل گرفته و بر از لجن رفت و آمد مشکل می کند و محیطی بیماریز را به وجود می آورد. بویژه که دسترسی به پزشک نیز بسیار مشکل است.

زبان روستا همگی به سواد هستند به تازگی از سوی نهضت سوادآموزی کلاسی دایر شده است. شورا در این روستا تشکیل نشده است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای یورتچی در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

کینه ورس

در روستای کینه ورس (۲۲ کیلومتر جنوب ابهر - ۵۰ خانوار، ۲۰۰۰ نفر جمعیت) اهالی خرده مالک و بی زمین هستند. ۱۰ الی ۱۵ نفر نیز اراضی ۵۰ تا ۱۰۰ هکتاری دارند. در این روستا چون اهالی در اتعاد و همکاری با هم زندگی می کنند، لذا به یاری هم نیازهای رفاهی خود را تأمین می کنند، چنانکه روستا دارای آب، برق، درمانگاه و دبستان پنج کلاسه است. در این روستا مدرسه راهنمایی و نظری وجود ندارد.

روستای کینه ورس در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای کینه ورس در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای کینه ورس در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای کینه ورس در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

سمریقر

روستای سمریقر - از توابع دهستان دول و در ۴۲ کیلومتری آن قرار گرفته است (۷۰۰ نفر جمعیت - ۲۰ خانوار بی زمین) اکثر اهالی روستا را هموطنان کرد تشکیل می دهند. در روستای سمریقر نیز ضدانقلاب سعی در ایجاد اغتشاش و آشوب داشت،

روستای سمریقر در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای سمریقر در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای سمریقر در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

روستای سمریقر در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزودمانند. اکنون کشت گندم ۱/۵ برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

یکی از اقدامات مفید و موثر هیئت های هفت نفری و واگذاری زمین است. در حال حاضر ارتباط و عمال آنها به هیئت های مختلف می گویند که از ورود هیئت ها و اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی جلوگیری کنند.

احداث روستاها و شهرهای استراتژیک - وسیله‌ای برای سرکوب خلق السالوادور

عرض ۱۸ ماه "شرکت کند. احداث ۱۵ هزار روستای استراتژیک - هسته‌اصلی این برنامه‌ها تشکیل می‌دهد. برپایه این برنامه، می‌بایست همه دهقناتی، که در مناطق زیر کنترل پارتیزان‌ها زندگی می‌کردند، در این "روستاها" تمرکز یابند و تحت نظارت سیاسی و نظامی آمریکا بی‌ها و مزدوران سایکون نشین آنها قرار گیرند.

در آن هنگام، بیش از ۸۰ درصد مردم ویتنام جنوبی در روستاها زندگی می‌کردند و اکثریت عظیم آنها خوشبختانه رادر نبرد آزادیبخش ملی سهم می‌دانستند و به پارتیزان‌ها کمک می‌سازند. البته تدوین کنندگان و مجریان برنامه‌ها مرده میدانستند که دهقانان ویتنامی حاضر نیستند داوطلبانه رهسپار این اردوگاه‌ها شوند از این رو، دستور میدادند که دهکده‌ها را تاراج کرده و محاصره کنند، ساکنان را در گوشه‌های گرد آورند، کلبه‌های آنها را آتش زدند و کشتزارهایشان را ویران سازند. هرگز کبیم مقاومت می‌پرداخت، بیدرتک به هلاکت می‌رسید. آنگاه دهقانان بمحلی برده می‌شدند، که قرار بود "روستاها" استراتژیک در آنها احداث گردد. در این محل، آنها را مجبور می‌کردند که نخست به حفرو خندق و کشیدن سیم خاردار و سپس به ساختن کلبه‌های محقر بپردازند. ورود به اردوگاه و خروج از آن تحت کنترل دقیق قرار میگرفت و هرگز بیس از ساعت ۷ بعد از ظهر، بیرون از روستای استراتژیک دیده میشد، بلافاصله به ضرب تیر از پای در می‌آمد.

چنین مقرراتی امروزه در السالوادور نیز حکمفرما شده است و تنها ده‌ها هم نیستند که مشمول آن میگرددند. در سان سالوادور، پایتخت السالوادور، هرگز، که پس از ساعت ۷ بعد از ظهر، پای از خانه خود بیرون نیکارند. بی درنگ هدف تیرباران می‌شوند. "خونتا" قرار می‌گیرد. بدینسان، هر شب ده‌ها تن السالوادوری به گناه نیز، که هیچ روی در نبرد مسلحانه شرکت ندارند، به قتل میرسند. از سوی دیگر، منع عبور و مرور و آزادی تیراندازی شانه، به دژخیمان "خونتا" امکان میدهد کدر پناهموشی به خانه‌های مردم هجوم برند و به معنیانه‌ترین جنایات مبادرت ورزند. جسدهای بی‌شاری که هر روز صبح در کوچه‌ها و خیابان دیده میشود ظاهر آکناسی بودمانند که مقررات منع عبور و مرور شانه را رعایت نکردند! بدین ترتیب، در السالوادور "مشاوران" آمریکایی "خونتا" بیست از تکمیل برنامه "احداث روستاهای استراتژیک"، به ساختن "شهرهای استراتژیک" نیز پرداخته‌اند!

استراتژی‌های ایالات متحده آمریکا بار دیگر یکی از نقشه‌های کهن "پنتاگون" را، که نخستین بار در جنگ تجاوزکارانه علیه ویتنام بکار برده شد اینبار در السالوادور جامه عمل می‌پوشاند. "مشاوران" "خونتا"، که بر خلق این کشور کوچک آمریکای مرکزی ستم ددمنشانه می‌راند و هر روز ده‌ها تن میهن دوست السالوادوری را به هلاکت می‌رساند با اصطلاح "روستاها" استراتژیک را آغاز کرده‌اند. هدف آنها آنست که با تمرکز سکندرمناطق ویژه، مردم السالوادور را از کمک‌رسانی به چریک‌های انقلابی بازدارند. طبق "مدل ویتنام"، آنگاه نواحی "پاک" سازی شده، بعنوان "مناطق تیراندازی آزاد" اعلام خواهد شد و هر آنچه که بجنبه هدف تیر قرار خواهد گرفت، چنانکه میدانیم، هواپیماهای آمریکایی، در ویتنام جنوبی، مناطق وسیعی را، بدینسان، با بمب و ناهالم باخاک‌یکسان کردند. برخی از جنگل‌ها و اراضی را چنان آلوده شدند، که حتی امروزه نیز قابل استفاده نیستند و به تدریج ویتنامی‌ها آسیب می‌رسانند.

اینگونه ناهالم‌ها و مواد سمی اکنون در نبردهای دژخیمان السالوادور با پارتیزان‌های "همپه‌آزاد" پیش‌قدمی قرار می‌دهند و تیرباران می‌شوند. "مشاوران" آمریکایی "خونتا" نزدیک شهر سوچی توتو تعدادی "روستای استراتژیک" احداث کرده‌اند، که در آن بیش از ۲۰۰۰ کودک تیرباران یافته‌اند. این روش‌های ددمنشانه سبب شده است که تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر السالوادوری بمکروه‌های همسایه، بویژه هندوراس، بگریزند. مستکاران "روستاها" استراتژیک نیروهای استعمارگر بریتانیا بودند، که نخستین بار در جنگ سرکوبگرانه خود علیه مردم مالا (۱۳۲۷-۱۳۲۵) کوشیدند تا با دست‌بازی‌های تاکتیکی مردم را از مبارزان ضد استعمار دورنگ دارند. اما این تلاش‌ها نهای شرم‌ماند و بریتانیایی‌ها، پس از جنگی سبانه، سرانجام مجبور شدند که برابر خواست مردم مالا با تسلیم گردند و استقلال این کشور را بر رسمیت شناسند.

تجربیم این تجربه ناموفق، اوچنین است، یکی از استادان "دانشگاه ماستانفورد" (آمریکا) در سال ۱۳۴۰ بار دیگر بمباد اندیشه "روستاها" استراتژیک" افتاد. استعسلی به موفقیت این اندیشه ایمان و اعتقاد کامل داشت و معتقد بود که علت شکست این تجربه در مالا، تنها تدارک ناکافی و اجرای ناشیانه آن از سوی بریتانیایی‌ها بود. استاد "دانشگاه ماستانفورد" از طرف "پنتاگون" ماموریت یافت که در تدوین برنامه "آزادی جنوب ویتنام در

درباره یک سفسطه در منطق راجع به «جزء» و «کل» و «کلی» و «جزئی» و نتایج اسلوبی این سفسطه

این درختان دارای یک سلسله مشترک در رده بندی وجودند، یعنی: ۱- گیاهند (نمیبوان یا جماد). ۲- از لحاظ مختصات فردی، که ذکر کردیم، بهم شبیهند. اگر کل (مجموعه اجزاء) و کلی (انتزاع نوعی) را از منطق شری حذف کنیم، که تفکر انسانی محال می‌شود و



هرقت و شناخت ما با هر دو با خواهد ننگید. یعنی: اگر کل را جمع عددی اجزاء بدانیم، که قوانین را کشف نمی‌کنیم - و اگر کلی را منکر شویم، که واژه‌ها و مفاهیم را نمی‌توانیم با سزیم و قدرت تفکر را از خود سلب می‌کنیم. لذا کل وجود دارد و دارای قوانینی است، که غیر از جزء است. و کلی در انتزاع ذهنی ما وجود دارد و ما به پاری آن فکر می‌کنیم. البته ما مانند افلاطون بر آن نیستیم که کلی در عالم خارج وجود دارد، ولی آنرا از تعمیم مشاهدات و تجارب خود در عالم ذهنی بدست می‌آوریم و بدان "مفهوم" می‌سازیم. چون این دو سفسطه (انکار یافتن خاص کل و انکار وجود کلی) و خلط و لوت تفاوت کل و کلی، ممکن است در بحث‌های نظری تکرار شود، لذا ما برای توجهمه دوستان، آنها را مطرح می‌سازیم. کسی که سفسطه خود را از این انکار آغاز می‌کند (کاری که سفسطه‌بازی‌های محض است) می‌تواند طرف خود را - اگر متوجه نباشد - سردرگم کند.

کل را منکرند، به این بهانه که این قوانین را در اجزاء نمی‌بینند. کل یک جمع مرتبط است، یعنی اجزاء و عناصر ترکیب کننده یک توده بی شکل را بوجود نمی‌آورند، بلکه یک مجموعه، یک منظومه، یک سیستم، یک دستگاه بهم مربوط را، که دارای عملکرد ویژه‌ایست، بوجود می‌آورند.

سفسطه دیگر در باره کلی است. برخی‌ها می‌گویند: کلی وجود ندارد، می‌گویند: انسان کلی کجاست، به ما نشان بدهید! از بحث کلی کجاست، به ما نشان بدهید! ما فقط از درخت‌ها و انسان‌های مشخص خبر داریم. کلی یک امر موهومی است. ابتدا باید گفت که کل و جزء با کلی (عام) یا مجرد و جزئی (خاص) یا مشخص تفاوت دارد. منظور ما از کلی بهم بیوسته اجزاء است. اما مقصود ما از کلی مفهوم انتزاعی در ذهن ما از یک رشته اجزاء، مشخص همنوع است، که از آن مفهوم (باوازه) بوجود می‌آید. در واقع درخت در خارج از ذهن ما وجود ندارد. آنچه وجود دارد این درخت یا آن درخت همین در زمان و مکان همین است. ولی ما می‌آئیم و با توجه به جهات مشترک همه درختان (ریشه، ساقه، شاخه، برگ، میوه، گل و غیره) مفهوم کلی "درخت" را بوجود می‌آوریم. مفهوم کلی درخت، هم درخت سبب، هم نارون، هم افرا، هم درخت بادام، هم درخت ماهناب، هم سوزنبرگ و هم پهن برگ و غیره و غیره را در بر می‌گیرد و برآهمه

در برخی بحث‌های نظری، وقتی یک مارکسیست مثلا از اصول دیالکتیکی حرکت و تغییر در واقعیت سخن می‌گوید، طرف بحث گامی می‌گوید: شما این اصول تجریدی و کلی را از کجا آوردید؟ ما آنرا در پدیده‌های مشخص و منفرد، در اجزاء طبیعت یا اجتماع نمی‌بینیم. این سفسطه، یعنی مبدل کردن "کل" به اجزاء ترکیب کننده آن کل، و سپس انکار مختصاتی که ویژه کل است (و در اجزاء نیست) یک روش سفسطاتی قدیمی است.

مثلا کسی ممکن است به شما بگوید: پرستش - مگر دریا از قطرات آب تشکیل نمی‌شود؟ پاسخ درست است. دریا از قطرات آب تشکیل می‌شود. پرستش - پس چطور شما مدعی می‌شوید که در دریا می‌توان کشتی رانی کرد، یا دریا طوفانی می‌شود، یا در دریا نهنگ زندگی می‌کند؟ من هیچ قطره آبی ندیده‌ام که بتواند در آن کشتی رانی کرد یا طوفانی شود یا نهنگ بتواند در آن زندگی کند!

روشن است که این سفسطه است، زیرا کل قطرات فقط جمع قطرات نیست و مختصات تازه‌ای کسب می‌کند. مثلا پدیده‌هایی مانند "انقلاب"، "جنگ" و "صلح"، "بحران اقتصادی"، "مبارزات طبقاتی"، "که در کل افراد (اجتماع) روی می‌دهد، در "فرد"، که اجتماع از آنها تشکیل شده است، روی نمی‌دهد. یا مثلا در یک اثر نمی‌توان خانه ساخته و لسی در آنجا (که از آن خانه ساخته می‌شود) می‌توان مسکن کرد و غیره و غیره. مثل آنکه این مطلب محدود کننده‌ای ساده است. با اینحال کسانی پیدا می‌شوند که قوانین و مختصات کل، یعنی جمع مرتبط اجزاء و عناصر ترکیب کننده

مبارزه در راه «توافق دمکراتیک»

با تغییر دولت در درون "خونتا" آرزاتین و با توجه به این واقعیت ترکیب نهایی آن، به علت مبارزه جناح‌های مختلف نظامیان بر سر قدرت هنوز معلوم نیست، به یکبار نیروهای دمکراتیک برای دستیابی به "توافق دمکراتیک" هر چه بیشتر حدت یافته است. منظور یافتن نهمی است، که از میان هم‌اقتار اجتماعی، احزاب و سازمان‌های دمکراتیک، کلیسا و نظامیان مترقی بگذرد.

هدف "توافق دمکراتیک" آنست که نخست دولت موقت نظامی - غیر نظامی را بر سر کار آورد و احزاب قدرت را از سوی دولتی دمکراتیک و برگزیده مردم فراهم سازد.

نبا بد این توهم را داشت، که ویولا به دگرگون سازی‌های بنیادی سیاسی و اقتصادی دست خواهد زد. رئیس جمهور جدید، چند روز پیش از احراز سمت خود، به دیدار ریگان ستافت و مسلما از "رهنمود" های او بهره گرفت. از سوی دیگر، ویولا دیگر نخواهد توانست خواست‌های مردم آرزاتین را بکلی نادیده بگیرد.

خونتای نظامی آرزاتین مردی ...

داشته است که ۱۸۰۰-۱۵۰۰ کارگر را اخراج خواهد کرد. کارخانه "دوتین" تا پایان سال جاری بکلی تعطیل خواهد شد. با توجه به کمترین نیروهای کارگری در ماه‌های آینده هم اکنون شاهد نخستین گام‌ها در راه احیای "کنفدراسیون عمومی کارگران" هستیم. با آرزوی شوم کمیس از کودتای پنج سال پیش نظامیان، این سازمان منحل و غیر قانونی اعلام گشت.

احزاب دمکراتیک آرزاتین (پرونیست‌ها، دمکرات‌های مسیحی و کونیست‌ها، که تا به امروز غیر قانونی هستند) دولت ویولا را فرا خوانده‌اند که چنانچه در اعلام مردم‌های دمکراتیک صداقت دارد، مردم را از سرنوشت بیست از هزار "مفقود" کتا سازد. "خونتا" ویولا، در گذشته، میخواست زیر شعار "بگذارید گذشته را دفن کنیم"، مسئله ناپدید شدن را به فراموشی بسپارد و به ملا مایل بود این فکر را به مردم القا کند که مبارزه با "تورریسم" (بخوان: جنبش دمکراتیک مردم) بویژه از آن جهت ضرورت دارد که "صلح داخلی" استقرار یابد.

امروز طیف وسیع نیروهای دمکراتیک و اکثریت عظیم مردم آرزاتین بیش از همه وقت عزم آن را دارند، که مبارزه خود را در راه استقرار آزادی‌های دمکراتیک و حقوق بشر گسترش دهند. اعلام آدولفو پریس اسکول، به عنوان برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۸۰ عامل مثبتی برای انگیزش پیکار در راه دگرگونی‌های سیاسی در آرزاتین بود.

آرزاتین بستگی به عوامل گوناگون دارد: (۱) وسعت و عمق جنبش توده‌ای و بعد مبارزات آن، (۲) سطح همکاری نیروهای دمکراتیک، (۳) پیوند فراخوهر میان بخش غیر نظامی و بخش‌های مترقی نظامی. زیانبار است که در پیکار برای دگرگونی‌های دمکراتیک، قطب‌های نظامی و غیر نظامی را در برابر یکدیگر قرار دهیم.

این گفته‌ها، و دبیر کل حزب کونیست آرزاتین، که سال میلادی ۱۹۸۱، به هر حال سالی "سیاسی تر" و پریت و تاب‌تر خواهد بود، هم اکنون صحت خود را اثبات کرده است. ستیزه‌های اجتماعی جنبش‌های اجتماعی در آرزاتین افزایش یافته است. کارگران و احزاب دمکراتیک آرزاتین از سیاست اقتصادی وزیر مس کونی اقتصاد این کشور، ماوتینس دهمس کانتی در راستای منافع انحصارهای خارجی بوده است، به انتقاد شدید پرداخته‌اند.

وضع ناپسامان کارگران آرزاتین

در سراسر آرزاتین، کارگران علیه افزایش بیکاری، کاهش دستمزد واقعی، بالا رفتن هفتک هزینه زندگی و سرکوب آزادی‌های سندیکایی به اعتصاب دست زده‌اند. طبقه کارگر آرزاتین خود را برای ستیزه‌های اجتماعی خروشان آماده می‌سازد. برای نمونه کمیانی "پوزو" اعلام



برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی:

آیا اقتصاد اسلامی این است که بازار در قبضه عده‌ای سرمایه دار باشد که خون مردم را بکشد؟

به وضع یعرانی سیستان و بلوچستان رسیدگی کند.
 دولت چگونه می‌خواهد مالکیت تعاونی را در جامعه بنیاد کند؟
 چرا زمین زمینداران بزرگ به کشاورزان واگذار نمی‌شود؟
 برهان‌الدین ربانی، رهبر یکی از گروه‌های افغانی، که دیوارهای تهران از پوست‌های وی رنگین است، قیاس از تشکیل کنفرانس طاقت با سادات ملاقات کرد.
 بعد از کنفرانس طاقت، وزیران افغانی از پاکستان به ایران سرافراز شدند.
 لایحه حذف فرمان همایونی تصویب شد.

مردم ما از داد گاه‌های انقلاب...

بقیه از صفحه ۱
 (اکثریت) یکی از نیروهای انقلابی راستین همین ما است. خطمی عمومی این سازمان مبتنی بر مبارزه با امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از نیروهای انقلابی و پیشرو حاکمیت کونسی کشور است. دادگاه‌های انقلاب نه تنها نباید جان هیچک از اعضای زندانی این سازمان را در معرض خطر صدور و اجرای احکام ظالمانه قرار دهند، بلکه بر اساس پیام اخیر امام خمینی، باید هر چه زودتر مویات آزادی اعضای این سازمان را فراهم سازند و خانواده‌های آنان را از اضطراب و نگرانی رهایی بخشند.

مردم بی‌اختصاص ما در شرایط جنگ میهنی با امپریالیسم آمریکا و رژیم تبهکار صدام در شرایطی که امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، و ضدانقلاب پسرورده‌اش در سراسر کشور، بیش از هر زمان دیگر، بر یکسر انقلاب و جمهوری نوای اسلامی ایران ضربه می‌زند، بیش از هر زمان دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که حساسیت اوضاع را عمیقاً دریابند و رهبرهای انقلابی امام خمینی را در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه قضاوت عادلانه و آزادی احزاب و گروه‌های که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع و پشتیبانی می‌کنند، با بیگیری دنبال کنند و یا انضام و اجرای هر حکم، عدالت واقعی اجتماعی را هر چه حاکمتر و محکمتر گردانند و با تکیه بر حل مبرم‌ترین مسائل بنیادی اجتماعی - اقتصادی جامعه، ریشه‌های انقلاب را بکنند، استوارتر و گسترده‌تر و نهال آن را با بلانده و شکوفات سازند.

سازمان فدائیان خلق ایران

متن کامل وصیت‌نامه عادل اسکندری عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که بر اثر حکم ظالمانه دادگاه انقلاب امروز اعدام شده است.

وصیت‌نامه ایجاب عادل اسکندری فرزند وحید
 من خودم را فرزند این مردم می‌دانم. مردمی که مرا بعد از سه سال از زندانهای رژیم مستورشان آزادی کردند. این آزادی را به مبارزه علیه هر چه پلیدی است حرکت کردم. حاکمیت جمهوری اسلامی را ضد امپریالیسم می‌دانم ولی این را میدانم که دید غلط نیست به نیروهای انقلابی دارد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکی از نیروهای ضد امپریالیست و خلقی می‌باشد. من هوادار این سازمان هستم. بخاطر دفاع از میهن از میهن که همان دفاع از جمهوری اسلامی است من می‌خواستم در جنگ شرکت کنم که دستگیر شدم و حال می‌خواهند مرا اعدام کنند. من به منافع شخصی خود نگاه نمی‌کنم و آنچه که باعث میشود این مرگ را بپذیرم ایمان به مردم است. پدر و مادرم بزرگوار نیستند از اینکه مرا اعدام می‌کنند. فکر کنید من در جبهه علیه صدام چنانیکار شهید شدم. نادانان و پسران زیادی فرزندانشان را از دست دادمانند روزی حقانیت و یا یکی فرزندت به اثبات خواهد رسید. زندگی زیباست و گرانبهارترین چیزها نزد ایشان است ولی من حاضریم آن را بخاطر مردم و در شرایط فعلی بخاطر دفاع از میهن از دست بدهم.

فرزند مردم: عادل اسکندری ۶۰۲۱۵۰

ناطق افزود: «این اصولی بنظر میرسد که این پنجمین جلسه مشترکی را ترتیب داده باشند، زیرا ما ناظر بودیم که مدتی پس از این جلسه و کنفرانس طاقت، سیل آسا برادران اهل سنن آواره افغانی از اردوگاه‌های خود در پاکستان به این منطقه سرافراز شدند.»

نماینده زاهدان سپس به مسافرت‌ها و مذاکرات مشکوک و مخفیانه و علمی پرهان‌الدین ربانی به منطقه رفتار امروزانه یعنی از این افراد اشاره کرد. وی آنگاه درباره سفر اخیر مفتی زاده به استان سیستان و بلوچستان گفت:

«امروز از ناحیه مستمعین منطقه نام از فارس و بلوچ و سیستانی، یا همه‌شناری که از نظر اقتصادی پرورش آنهاست و پشیمانان و وارثان بحق انقلاب و پیروان راستین خط امام هستند، این سؤال مطرح است که مسافرت اخیر برادران مفتی زاده به این استان و مذاکرات خصوصی و مختراتیهای نیمه‌معمومی ایشان بخصوص در زاهدان و خاش و ایرانشهر، به چه منظوری بوده است و چه مسائلی مطرح شده که ضد انقلاب میدان فعالیت پیدا کرده و دست به ترور مولوی حسین بر زد و موجب شهادت وی و ۳۲ نفر دیگر از سران اسلام گردید.»

نماینده زاهدان افزود: «امروز خون مستمعین منطقه بجهت امداد خواستار برخورد اصولی به این مسائل هستند و خود اقدام خواهند کرد. علاوه بر این مردم خواهان کنترل دقیق مرزها و تقویت پاسگاهها و تقویت هر چه بیشتر سپاه و جهاد هستند. مردم خواهان مبارزه جدی با خانها، قاچاق و قاچاقچی، با عوامل ضدانقلاب و تعیین تکلیف وضعیت گروه‌های ضدانقلاب در منطقه، که اکثراً توسط خانها سازماندهی شده‌اند، هستند.»

وی همچنین گفت: مردم خواهان سازماندهی و حمایت دائمی و مستمر از مستمعین بخصوص کشاورزان در منطقه هستند، تا روحیه انقلابی آنها، با توجه به شرایطی که پیش آمده، حفظ شود و بتوانند خود در برابر خانها بایستند، زیرا معتقدند که چاقی خانها حاصل غارت مستمر نسج و مکیدن خونتان است.»

ناطق در پایان از توجهات اخیر دولت به این استان و افزایش بودجه آن به ۳ برابر سال قبل، تشکر کرد.

سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی توضیحاتی درباره لایحه حذف فرمان‌های یونی داد. وی تأکید کرد که در مشورتی که توسط نخست‌وزیر و دولت از اعضای شورای نگهبان، با امام خمینی در این مورد صورت گرفته است، ایشان تکلیفی تعیین نکرده‌اند. رئیس مجلس از امام خمینی نقل قول کرد که: «هر چیزی را که مجلس با اعضای شورای نگهبان تصویب کند، بی‌وجهی کسی حق ندارد در آن خشه وارد کند.»

پس از آن مجلس وارد دستور شد و پیشنهادهای نمایندگان درباره لایحه حذف فرمان‌های یونی بررسی شد. پس از بررسی پیشنهادهای درباره کل لایحه رای گیری بعمل آمد و با ۱۲۲ رای موافق، از مجموع ۱۸۲ رای، به تصویب رسید. آنگاه اعلام تفرس شد.

پس از پایان تفرس، درباره تقویض اختیار تصویب لایحه «اخذ هزینه صدور پروانه دریایی» به «کمسیون امور اقتصادی و دارایی» برای مدت ۲ سال، بحث شد و به تصویب رسید.

همچنین لایحه مربوط به «ترازیت کالا» از کشتی به گمرکات داخلی کشور... برای اخذ تصمیم به کمیسیون مربوطه ارجاع شد.

مجلس امروز هم جلسه علنی دارد.

ناطق آنگاه گفت: «برای مردم ما مطرح است که چرا هیات رسیدگی به وضع بنیاد مستمعین هنوز بیان کار نداده است و اعلام نکرده است که این بنیاد چیست و چه کرده است و چه خواهد کرد؟»

عبدالواحد موسوی سپس دلیل سکوت هیئت حل اختلاف و داستانی کل را بررسید و گفت: «برای مردم مطرح است که اصول قانون اساسی کی اجرا میشود؟ اصل ۴۴ و ۴۸ و ۴۹ قانون اساسی کی می‌خواهد عمل شود؟ دولت برای مالکیت‌ها چه فکری کرده است؟ برای مالکیت‌های کلان چه طرحی دارد و چگونه می‌خواهد مالکیت تعاونی را در جامعه پیاده کند؟»

وی آنگاه با اشاره به اینکه دولت تاکنون موضع انضالی داشته است و هرگز بنیادی کار نکرده است و شاید مجلس نیز در اینکار سهیم باشد، پرسید:

«این اقتصاد اسلامی که اینها از آن دهمی زبانه بکشند، کجا رفته است؟ آیا اقتصاد کجاست که برابر کوخا است؟ آیا اقتصاد اسلامی اینست که بزار در قفسه عده‌ای سرمایه‌دار زالوصفت باشد و خون مردم را بکشد؟ آیا این اقتصاد اسلامی است؟ چرا آن جو کاذب علیه تند می‌چسبند اصلاحات را ایجاد شد و چرا زمین زمینداران بزرگ به مستمعین و کشاورزان محروم واگذار نشود؟ ری پس از آن، ضمن تأکید مجدد بر اینکه خط آمریکا ایجاد شک در مشروعیت جمهوری اسلامی ایران است گفت: «کم‌کاریها، بی‌عزگیها و اجناسا سهل‌انگاریها ما ممکن است (به خط آمریکا) کمک کند»

عبدالواحد موسوی در پایان گفت: «این آخوندهایی که تا دیروز دهمی زبانه بودند و امروز فرعونان در قم و مشهدینا شده‌اند و برای اسلام بته‌جاک می‌کنند، اینها کجا بودند و چرا دادگاه‌های انقلاب به اینها رسیدگی نمی‌کنند؟ چرا دادگاه‌های انقلاب در برابر اینها ساکت شده‌اند؟ آیا فرقی است بین آن آخوندی که معامله پسر دارد علیه انقلاب فعالیت می‌کند و آن کسی که عمامه ندارد؟ من فکر نمی‌کنم که اسلام چنین چیزی بگوید.»

سپس محمدرضا تاتاری، نماینده زاهدان، درباره توطئه‌های خانها و ضدانقلاب در استان سیستان و بلوچستان، توضیحاتی داد. وی از جمله گفت: «توطئه همه‌شهرانی این منطقه (سیستان و بلوچستان) قبل از پیروزی انقلاب توسط امپریالیسم آمریکا و انگلیس و ایادی آنها گذارده شده است و کنفرانس خائنه قاهره و طاقت مقدمه‌ای برای زایش آن بود.»

وی افزود: «کسیبجر چند روز قبل از تشکیل کنفرانس طاقت به قاهره سفر کرد و ملاقاتی با سادات و فرج داشت. همزمان با آن پرفسور پرهان‌الدین ربانی، رهبر یکی از گروه‌های افغانی که آمریکا دیوارهای تهران را از پوست‌های ایشان رنگین کرده، بهرام نماینده یک گروه دیگر که هنوز دقیقاً شناخته نشده، در قاهره حضور داشتند و ملاقاتی با سادات خائن داشتند.»

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار تعیین حدود مالکیت و حل این ساله بنفع «کوخ‌نشینان» شد.

نخستین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، مرتضی اعظمی لرستانی، نماینده خرم‌آباد، ضمن ستائش خواستار اجرای اصل ۳۷ قانون اساسی (اصلی بر ائمه است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه ثابت شود)، و اصول ۲۴ و ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی مطبوعات و تشکیل اجتماعات، شد. وی سپس ضمن اشاره به قانونی‌سازی گفت:

«این قانون بنظر اخراج اشخاص ساواکی و ناصالح و کم‌کار ضرورت تصویب پیدا کرده است.»

اعظمی سپس، ضمن ارائه تقویری احکام پاکسازی عده‌ای از کارمندان آموزش و پرورش در استان از وزیر آموزش و پرورش خواست که با اقدام انقلابی جلوی پاکسازی ناچای افراد راه که باعث یاس و ناامیدی آنها می‌شود، بگیرد.

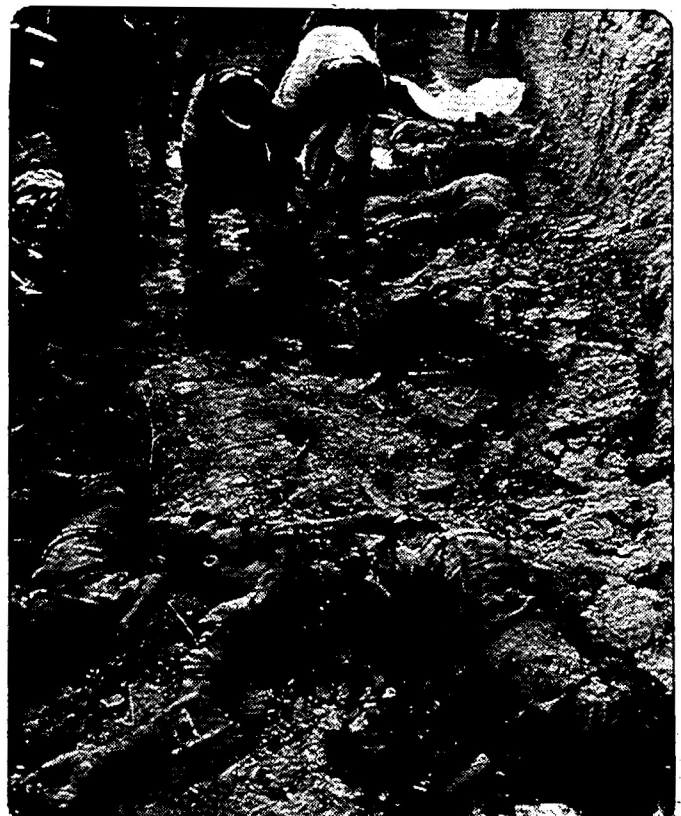
دومین ناطق پیش از دستور، عبدالواحد موسوی، نماینده لرستان، درباره سریر توطئه‌های آمریکا سخن گفت. وی ابتدا توطئه‌های مختلف آمریکا، از روی کار آوردن و اختیار و توطئه عناصر وابسته آمریکا یا طرفدار آنریکه در دولت موقت، تا حمله نظامی طیس، کودتای نوزدهم و جنگ تحمیلی عراق را برسرمد و تأکید کرد که «امروز آمریکا تمام همتش اینست که مشروعیت جمهوری اسلامی را مورد تردید قرار دهد»

ناطق سپس ضمن پرشماری فعالیت‌های ضدانقلابی، توضیح داد که هدف آمریکا از این اقدامات، بی‌انضاد کردن مردم به توانایی مسئولین در آماده‌کنند و جایگزین کردن عناصری که با خط عملی آمریکاهنگ باشند، است.

نماینده لرستان سپس ضمن اشاره به روشن بودن خط حرکت آمریکا، از مسئولین پرسید: «چگر روزنامه‌ها امروز باز هم همان مطالب تشنج‌آفرین را مطرح نمی‌کنند؟ هیات ستفره حل اختلاف کجا رفته است و چه می‌کند؟ چرا این مسائل را بررسی نمی‌کنند؟ چه شد آن پرسنهایی که می‌گفتند داستانی انقلاب تنظیم کرده است؟ چرا به این مسائل توجه نمی‌کنند؟ اگر واقعا راست است که عناصری بدون توجه به قانون و خود کلامه عمل می‌کنند، چرا قوه قضائیه مملکت وارد صحنه نمی‌شود و جلوی این بریندواری‌ها را نمی‌گیرد؟»

وی سپس هشدار داد که آمریکا قصد دارد مردم ما را از حاکمیت بیندازد و مجلس را از صحنه خارج کند. ناطق سپس بعضی اختیارات مجلس از جمله حق تحقیق و تفحص در همه امور، رسیدگی به شکایات مربوط به قوای سه‌گانه، حق استیضاح نخست‌وزیر و وزیران و حق احضار رئیس جمهور و حق «دای به عدم کفایت سیاسی وی» را برشمرد. وی همچنین تأکید کرد که تلاش برای تازاشی کردن مردم از بیرون و درون مرزها و از داخل دستگاه‌های اجرائی است.

نمایشگاه دلاوری خلق وجنایات تجاوزگران صدامی



یکی از تکان‌دهنده‌ترین مکرهای نمایشگاه: تجاوزگران صدامی در یک حمله جنایتکارانه زن و مسرده گوندک و پیر را قتل‌عام کرده‌اند. این عکس را کاوه گلستان، یکی از همکاران شرکت‌کننده در نمایشگاه، گرفته است.

در موزه‌های ماسر تهران، از روز ۲۲ اردیبهشت‌ماه، نمایشگاه عکسی با نام «جنگه به‌نامیش گذاشته شده است. خط‌کشی این نمایشگاه، علاوه بر مستند بودن آن، بیانگر جنگی هولناک است که توسط امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر مردم ما تحمیل شده است. این نمایشگاه، موقوع خراب‌ترین اقدامات در ابعاد گسترده می‌دهد که مردم یا بیچاره و از خودگذشتگی نمرده با اینار و از خودگذشتگی در مقابل با آن، مبارزه خود را برای حفظ مین و انقلاب بسط و تکامل می‌بخشد.

در این نمایشگاه، تعدادی از عکس‌های ایرانی و همچنین سروس‌های روزنامه‌های اطلاعات و غیره گزاشته شده است. در این نمایشگاه، عکس‌هایی که در این نمایشگاه دیده می‌شود، از جمله: کشته شدن یک جوان در راه مبارزه با ساقیه به‌صورت تبدیل می‌کند. نمایشگاه «جنگه هر روز» نیز روزهای دوشنبه، برای دیدن همکاران باز است.

دانشمندان جهان بامسابقه تسلیحاتی مخالفند

«پیش‌گواش» مبارک چندین گروه‌هایی را در ژنو می‌بیند. اعضای این سازمان با سابقه دانشمندان، در این گروه‌ها به مسائل مبارزه با ساقیه تسلیحاتی و شروع خلع سلاح خواهند پرداخت.

این جنبش در تابستان ۱۳۴۴ به‌ابتکار یازده دانشمند نامدار جهان، از جمله آلبرت اینشتاین، برتراند راسل و ژولیو کوری، برای مبارزه در راه صلح و خلع سلاح پایه‌گذاری شد.

چاپ جدید تقویم سال نو



با اصلاحات
منتشر شد

کارگران نساجی‌های اصفهان گردان رزمنده طبقه کارگر ایران

م‌آمد. از این نظر، افاق ایسن سالها از طرفان‌های سیمکین آینده سرخ بود. طبقه کارگر ایران، به‌منای واقی کلمه، مرغ طرفان و مژده‌رسان مبارزه بود.

کارگران بافندگی‌های اصفهان، که سنن درختان مبارزاتی آن‌ها همچا زیانزد بود، هرچند این رزم ضدفاشستی را بر دوش داشتند. آنان در سال ۱۳۳۲ در اوج خفقان ساواکی‌شاه ملوم، دزآثر تأخیر دیردرخت دستمزد، جیره نان و نرساندن مواد خام، که باعث تعطیلی واحدها می‌شد، بکرات بمساح اعتصاب روی آوردند. در بهار سال بعد این اعتصاب همچنان موج از پس موج دو به گسترش بوده بطوری‌که تنها در خرداد ماه سال ۱۳۳۸، یکبزار و باصندن از کارگران نساجی «وطن» اصفهان اعلام‌اعتصاب کردند. سال بعد کارگران «شهباز» اصفهان با طرح خواست‌های بنیادی، نظیر اجرای قانون کار و شناسایی حقوق صنفی - سندیکایی کارگران از سوی رژیم شاه ملوم، دست به اعتصاب زدند. دامنه جنبش چنان گسترده بود که مقامات شیره، استانداری و اداره کار، زیرنظر ساواک و البته بنام هشتم‌دیده کارخانه‌ها، تعداد زیادی از کارگران را اخراج و هفتصد تن از آنان را از شهرستان اصفهان تبعید کردند. گذشته از آن، خشونت و تشکیه‌دراختارسیاری از کارگران بود و این‌ها با هدف سرکوبی تاب و توان انقلابی کارگرانی، که یکدم از تعرض‌علیه رژیم ساواکی دست‌بردار نبودند.

اما اعتصاب‌ها، پس از یک‌دوره بسیار کوتاه توقف از نوشلمه کشید. در شانزدهم آبان همان سال بافندگی‌های شهن اعمال اعتصاب کردند. خواست‌ها غیر از برقراری حداقل دستمزد، پرداخت کمک ماهانه، سندیکایی و غیره بود. این اعتصاب در روز ۱۲ آبان به سرکوبی منتهی شد.

اعتصاب نظامی کارخانه‌ها در دو نکره هیچ طلسمی کارگر نبود. سرانجام مبارزه با بی‌وزگی کارگران پایان گرفت. مبارزه بی‌وقفه کارگران مشتحمکی بود که در برابر خودکامگی و غارتگری‌های سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم آمریکایی و ادوهای فریب، برپیشانی لمت‌خورده دربار فرود می‌آمد. دیگر اقتدار مردم به حرکت درآمدند و رژیم ناپا شد. وعده فلتخالیات آزاده بدهد.

برای کارگران قانون کار و تعیین اجتماعی تیاربر روی کاغذ وجود داشت. برای گزارش روزنامه کیهان (۱۳۳۵/۱۲/۲۵):

«مسابه از حقوق کارگران مبلغ قابل‌ملاحظه‌ای بتواند یکه گم می‌کند. در حالی که سازمان‌های یه اجتماعی هیچگونه خدمتی برای کارگران انجام نمی‌دهند.»

دستمزد روزانه کارگران بندرت از ۲۵ ریال فراتر می‌رفت و در غالب موارد به نصف این رقم بالغ می‌شد. در حالی که بهای یک کیلو نان تا ده ریال می‌رسید. برای بزرگ‌متر شرایط کار و زندگی کارگران باید در نظر داشت که در غالب مواقع بر دوش دستمزد کم‌بازمانده‌ها می‌انداخت.

زنجیری خفقان در همه شئون حیات کشور آنچنان تنگ و فشرده شده بود که قامت پهلوانی مردم تاگزیر باید آن‌را پس‌تین دهم می‌تکست تا آنگاه فراتر و حداقل فرصت برای زندگی فراهم

فرانسوا میتران: ما برای گفتگو با اتحاد شوروی اهمیت فراوانی قائل هستیم

فرانسوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه، گفته است که برای گفتگو با اتحاد شوروی اهمیت فراوانی قائل است.

وی در نامه‌ای به لئوئیو پروژمان از نماینده‌های اتحاد شوروی بنامیت انتخاب خود به ریاست جمهوری فرانسه بسیار کزای و اظهار امیدواری کرد که «همسایه دوست» و همکاری میان فرانسه و اتحاد شوروی گسترش یابد. بکنه میتران، اینگونه مناسبات به پیشبرد قلم و امنیت در اروپا و در سراسر جهان کمک خواهد کرد.

لئوئیو پروژمان در پیام شادمانی خود گفته بود که مناسبات میان دو کشور باید عامل مهمی در راه تأمین صلح، کاهش مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح باقی بماند.

تورویستها برای آزادی سرکردگان کودتای نافرجام در اسپانیا به گروه‌گنجگری پرداختند.

روز ۲ خرداد ۶۰، در بارسلونا (اسپانیا)، گروهی مسلح به تصرف یک بانک و گروه‌گنجگری نزدیک به ۲۵۰ نفر دست زد.

با آنکه گروه‌گنجگریها، در این میان چندین نفر را آزاد کرده‌اند، هنوز در حدود ۲۰۰ نفر در اسارت آنها بسر می‌روند. آنها خواستار آزادی سرکردگان کودتای نافرجام اسپانیا هستند، که سه ماه پیش صورت گرفت. گروه‌گنجگریها تهدید کرده‌اند که چنانچه به این خواست آنها پاسخ مثبت گفته نشود، در قواصل مین یک‌یک گروه‌گنجی را خواهند کشت.

بانک در تصرف نیروهای امنیتی قرار دارد و مقامات می‌کوشند تا برای نجات گروه‌گنجی به مذاکره یا تروریست‌ها بپردازند.

تظاهرات خشمگین مردم در ایرلند شمالی ادامه دارد.

نژادپرستان آمریکایی میخواستند یک سیاه‌پوست را «لینچ» کنند

سه سفیدپوست آمریکایی کوشیدند تا سیاه‌پوستی را در لانکاستر (پنسیلوانیا) «لینچ» بکنند. مردمی که در اطراف بودند وی را نجات دادند. وی پلیس از بازداشت جانان نودمداری کرد.

این رویداد به جنایات آتلانتا (جورجیا) شباهت دارد. در آنجا نیز سببین نژادپرست قتل‌ترویک همی‌گروگو نوجوان سیاه‌پوست، تاکنون به مجازات نرسیده‌اند.

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی‌بریزیم

نامنبروم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

درباره امتیاز و مدیریت مسئولیت و مدیریت مسئولیت و مدیریت مسئولیت

خبرایان ۱۶ آذر شماره ۲۸

(دفتر «نامنبروم» در تهران، «نامنبروم» در تهران، «نامنبروم» در تهران)

چاپ: کاوش

NAMEH MARDOM
No. 520
25 May 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خوآندگان گرامی مقاله مردم و همه مقامات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرس زیر یادنامه مردم بفرستند.

مکانه کتند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱
۱۴ پستی تهران